

کتاب دانیال — ایک سو چھٹا حصہ

آشکار شدن داوری: از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه - تحلیلی نبوی

Jeff Pippenger

2024-02-29

داوری تحقیقی زندگان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، و داوری اجرایی با قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد آغاز می‌شود. این دو دوره داوری، نمایانگر کار آن رسولی هستند که راه را برای سومین رسول عهد و سومین ایلیا مهیا می‌سازد؛ و این همان پایان رسول ایلیا است که در تاریخ میلری آغاز شده بود.

در مسیح، تحقق «فرستاده عهد» این‌گونه بود که او دو بار معبد تحت‌اللفظی زمینی را تطهیر کرد؛ معبدی که پیش‌نمون بدن او و معبد روحانی او بود. معبد تحت‌اللفظی زمینی او نخست به صورت معبد خیمه عبادت در بیابان آغاز شد، سپس معبد سلیمان، سپس معبدی که پس از هفتاد سال اسارت در بابل بازسازی شد، و همان معبد پس از یک طرح بازسازی چهل‌وشش‌ساله که به دست هیرودیس انجام گرفت.

حضور جسمانی خدا خیمه مقدس و معبد سلیمان را برکت بخشید، اما معبدی را که پس از اسارت بازسازی شد برکت نداد؛ لیکن آن معبد بازسازی‌شده به واسطه حضور جسمانی مسیح متبارک گردید. در تاریخ معبدی که هیرودیس بازسازی کرده بود، مسیح دو بار در تحقق ملاکی باب سه، معبد را تطهیر کرد. در نخستین تطهیر، مسیح معبد را خانه پدر خود خواند، اما در آخرین تطهیر معبد، مسیح آن را خانه یهودیان نامید.

در تاریخ میلریتیان، مسیح در طی چهل و شش سال، از 1798 تا 1844، هیکلی روحانی برپا ساخت. در 22 اکتبر 1844، در تحقق ملاکی باب سه، او ناگهان به هیکل خود آمد و بدین‌سان باکره‌گان جاهل را تطهیر نمود. سپس به عنوان فرشته سوم آمد تا تطهیر دوم و نهایی را به انجام رساند؛ اما همان‌گونه که در آغاز اسرائیل باستان بود، اسرائیل جدید از ایمان لازم برای به پایان رساندن کار محروم بود.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسیح بازگشت تا تطهیر دوم هیکل را به انجام رساند؛ همان تطهیری که هنگامی واقع می‌شود که باکره‌های نادان در قانون یکشنبه‌ای نزدیک‌الوقوع پالوده می‌شوند، آنگاه که بیدار می‌شوند به این واقعیت که افزایش معرفتی را که در سال ۱۹۸۹ مهرگشایی شد، درک نمی‌کنند. آن افزایش معرفت، پیام باران آخر را نمایندگی می‌کند، که وقتی در چارچوب مثل ده باکره قرار داده شود، همان پیام فریاد نیمه‌شب است. پیام شش آیه آخر دانیال یازده که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، مهرگشایی شد، در آیه چهل‌وچهار همان آیات به صورت «اخباری از مشرق و از شمال» بازنمایی شده است.

پیام باران آخر، همان پیام فریاد نیمه‌شب است و همان پیام مشرق و شمال. مشرق و شمال به ترتیب نمایانگر اسلام و پاپیت‌اند، و به عنوان یک پیام، نمایانگر پیامی هستند که ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در فاصله میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و قانون یکشنبه قریب‌الوقوع، آن را جعل و بدلی‌سازی می‌کند. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمایانگر اسلام (مشرق) است، و قانون یکشنبه نمایانگر نشان وحش (شمال) است.

بستر مرگ ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در میان آن دو نشانه راه نمایان شده است، چنان‌که در مرگ نبی نافرمان در میان الاغ و شیر به صورت نمونه‌وار تصویر گردیده است. بستر مرگ کسانی که نشان وحش را می‌پذیرند، به وسیله «اخباری از مشرق و شمال» به تصویر کشیده شده است؛ اخباری که

قدرتِ پاپی را به خشم می‌آورد و آزار نهایی قوم خدا را آغاز می‌کند. آن پیام از قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد آغاز می‌شود؛ همان‌جا و همان‌زمانی که اسلام وای سوم به‌طور ناگهانی ضربه می‌زند. آن حمله غیرمنتظره ویرانی ملی را پدید می‌آورد و ملت‌ها را به خشم می‌آورد، و بدین‌سان انگیزه اقتصادی و سیاسی لازم را برای گرد آوردن همه ملت‌ها علیه اسلام فراهم می‌سازد، تحت نظارت اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کذاب.

در تاریخی که به‌وسیله الیاس سوم نمایانده شده است، پیامی که وای سوم را شناسایی می‌کند، اژدها، وحش و نبی کاذب را آگاه می‌سازد که اسلام ابزار داوری‌ای است که خدا برای مجازات انسان‌ها به سبب پرستش نشان اقتدار پاپی به‌کار می‌برد. همان‌گونه که در مورد سه روم، سه بابل، سه الیاس و سه پیام‌آوری که راه را مهیا می‌سازند صادق است، وای سوم نیز به‌واسطه کاربرد سه‌گانه سه وای برقرار می‌گردد.

हाय, "था रहा कह से शब्द ऊँचे हुआ उड़ता बीचोबीच के आकाश स्वर्गदूत एक कसिना और, देखा ने मैं और
स्वर्गदूतों तीन उन जनिहें, कारण के शब्दों के तुरहयों अन्य उन, हैं रहते पर पृथ्वी जो पर उन, हाय, हाय
! 8:13 प्रकाशतिवाक्य!" है जाना फूँका अभी द्वारा

خواهر وایت به‌طرزی عمیق از کتاب اسمیت، «دانیال و مکاشفه»، حمایت کرد و تصریح نمود که هر ادونتیست روز هفتم باید این کتاب را در اختیار داشته باشد؛ هرچند او این مطلب را به‌صراحتی که من اکنون بیان کردم اظهار نکرد، اما این واقعیت در تأیید او نهفته است.

«خداوند کارگرانی را فرا می‌خواند تا به میدان بشارت کتابی وارد شوند، تا کتاب‌هایی که حاوی نور حقیقت حاضرند منتشر گردد. مردم جهان باید بدانند که نشانه‌های زمان در حال تحقق است. کتاب‌هایی را نزد ایشان ببرید که آنان را روشن سازد. دانیال و مکاشفه، نبرد عظیم، مشایخ و انبیاء، و آرزوی اعصار اکنون باید به جهان عرضه شود. تعلیم عظیمی که در دانیال و مکاشفه مندرج است، در استرالیا با اشتیاق از سوی بسیاری مطالعه شده است. این کتاب وسیله‌ای بوده است برای رساندن بسیاری از جان‌های گرانبها به معرفت حقیقت. هر آنچه را که می‌توان برای انتشار اندیشه‌هایی درباره دانیال و مکاشفه انجام داد، باید انجام داد. من هیچ کتاب دیگری نمی‌شناسم که بتواند جای این کتاب را بگیرد. این دست یاری خداست.»

«کسانی که مدت‌ها در حق بوده‌اند، در خواب‌اند. آنان نیاز دارند که به‌وسیله روح‌القدس تقدیس شوند. پیام فرشته سوم باید با آوازی بلند اعلام گردد. مسائل عظیمی در برابر ماست. ما هیچ زمانی برای از دست دادن نداریم. خدا نکند که اجازه دهیم امور جزئی نوری را که باید به جهان داده شود، تحت الشعاع قرار دهد.» Manuscript Releases, جلد 21, 444.

کتابی که کسانی که دیدگاه میلریتی درباره «قربانی دائمی» در کتاب دانیال را رد کردند نیز آن را رد نمودند، به‌عنوان «دست یاری‌رسان خدا» شناخته شد. اگر قوم خدا مسئولیت یافته‌اند که کتاب‌های یادشده در نقل‌قول پیشین را توزیع کنند، این بدان معناست که قوم خدا خود نیز باید مالک آن کتاب باشند. آن کتاب قانون حمله کسانی بود که دیدگاه «جدید» درباره «قربانی دائمی» در کتاب دانیال را ترویج می‌کردند، زیرا همان کتابی بود که می‌خواستند آن را بازنویسی کنند و دیدگاه درست «قربانی دائمی» را از آن حذف نمایند.

هنگامی که خواهر وایت به دو رهبر اصلی شورش مربوط به «قربانی دائمی» در کتاب دانیال اشاره می‌کرد، غالباً خاطرنشان می‌ساخت که آنان (پرسکات و دنیلز) توانایی «استدلال از علت به معلول» را نداشتند. به نظر می‌رسد که تاریخ‌نگاران تجدیدنظرطلب ادونتیست‌های لائودیکه نیز با همین مشکل روبه‌رو هستند.

رهبران برجسته‌ای که در سراسر تاریخ شورش، از ۱۸۸۸ به بعد، در مقطعی از تجربه شخصی خود، تعلیم کاذب «قربانی دائمی» را پذیرفته بودند. شورش آنان «معلول» بود، و فهم نادرست از «قربانی دائمی»، «علت» به شمار می‌رفت. تجدیدنظرطلبان ادونتیسست لائودیکیه، ناآموختگان را به این باور می‌کشاند که همان شورشیان تاریخی تاریخ ادونتیسسم، در واقع در حال شورش نبودند؛ حال آنکه شهادت بازنگری شده ایشان هرگز به وسیله شهادت کتاب مقدس و روح نبوت تأیید نمی‌شود. چون آنان «معلول» را شورش به حساب نمی‌آورند، امکان جست‌وجو برای «علت» را می‌بندند.

چنان که گنجشک از این سو به آن سو سرگردان است و چلچله در پرواز، همچنین لعنت بی‌سبب نخواهد آمد. امثال 22:6

قوم خدا کو سرکشی کو پہچاننا چاہیے، اور جب وہ ایسا کریں تو انہیں اس کے سبب کی تلاش کرنی چاہیے۔ پھر انہیں اس سبب کا ازالہ کرنا چاہیے۔ درج ذیل اقتباس میں سسٹر وائٹ عخن کی داستان پر تبصرہ کر رہی ہیں۔

«به من نشان داده شده است که خدا در اینجا آشکار می‌سازد که گناه را در میان کسانی که خود را قوم نگاه‌دارنده احکام او می‌دانند، چگونه می‌نگرد. آنان که او به طور ویژه ایشان را سرافراز ساخته است تا همچون اسرائیل باستان، نمودهای شگفت‌انگیز قدرت او را مشاهده کنند، و با این همه باز هم جسارت ورزند که رهنمودهای صریح او را نادیده بگیرند، موضوع غضب او خواهند بود. او می‌خواهد به قوم خود تعلیم دهد که نافرمانی و گناه در نظر او به شدت نفرت‌انگیز است و نباید آن را سبک شمرد. او به ما نشان می‌دهد که هرگاه قوم او در گناه یافت شوند، باید بی‌درنگ تدابیری قاطع اتخاذ کنند تا آن گناه را از میان خود دور سازند، تا مبدا احم او بر همه ایشان قرار گیرد. اما اگر گناهان قوم از سوی آنان که در مقام‌های مسئولیت‌اند نادیده گرفته شود، احم او بر ایشان خواهد بود، و قوم خدا، به عنوان یک پیکر، در قبال آن گناهان مسئول شناخته خواهند شد. خداوند در رفتارهای خود با قومش در گذشته، ضرورت پاک ساختن کلیسا از خطاها را نشان می‌دهد. یک گناهکار می‌تواند تاریکی‌ای را منتشر سازد که نور خدا را از تمامی جماعت بازدارد. هنگامی که قوم درمی‌یابند که تاریکی بر آنان فروود می‌آید و سبب آن را نمی‌دانند، باید با جدیت بسیار، در فروتنی عظیم و خوارسازی نفس، خدا را بطلبند، تا آن خطاهایی که روح او را محزون می‌سازد جست‌وجو و آشکار شده، و از میان برداشته شود.»

«تعصبی که بر ضدّ ما پدید آمده است، زیرا خطاهایی را نکوهش کرده‌ایم که خدا به من نشان داده است وجود داشته‌اند، و فریادی که از خشونت و سخت‌گیری برخاسته است، نارواست. خدا به ما فرمان می‌دهد که سخن بگوییم، و ما خاموش نخواهیم ماند. اگر در میان قوم او خطاهایی آشکار باشد، و خادمان خدا نسبت به آنها بی‌اعتنا بگذرند، در واقع گناهکار را تأیید و توجیه می‌کنند، و به همان اندازه مقصّرند و به همان یقین گرفتار نارضایتی خدا خواهند شد؛ زیرا برای گناهان گناهکاران مسئول شناخته خواهند شد. در رؤیا، به موارد بسیاری توجه من جلب شده است که در آنها نارضایتی خدا به سبب غفلت خادمان او در رسیدگی به خطاها و گناهانی که در میان‌شان وجود داشت، برانگیخته شده بود. کسانی که این خطاها را عذر موجه شمرده‌اند، از سوی مردم بسیار خوش‌خو و دوست‌داشتنی در طبع پنداشته شده‌اند، صرفاً از آن رو که از انجام دادن وظیفه‌ای روشن و کتاب مقدسی پرهیز کرده‌اند. آن وظیفه با احساسات ایشان سازگار نبود؛ از این رو، از آن اجتناب کردند.» شهادت‌ها، جلد ۳، ص. ۲۶۵.

تاریخچه رهبرانی که در آدونتیسم به عصیان برخاسته‌اند، بر این واقعیت گواهی می‌دهد که یکی از مراحل که تقریباً همواره در شورش آنان دیده می‌شود، این است که در مقطعی از تجربه شخصی خود، دیدگاه کاذب «قربانی دائمی» را پذیرفته‌اند. با این همه، کتاب اسمیت، هرچند الهام‌شده نیست و مشتمل بر برخی مشکلات تعلیمی است، همچنان نمایی بسیار ممتاز از فهم پیشگامان درباره

فصل‌های هشتم و نهم مکاشفه ارائه می‌کند؛ جایی که تاریخ نبوی شش شیپور نخست بیان شده است. ما، آنگاه که بررسی کاربرد سه‌گانه «وای» را آغاز می‌کنیم، به تفسیر اسمیت از کتاب او، دانیال و مکاشفه، ارجاع خواهیم داد.

خواهر وایت به ما آگاه می‌سازد که به ویلیام میلر نور عظیمی درباره کتاب مکاشفه عطا شده بود، اما فهم او از فصل سیزدهم و فصل‌های شانزدهم تا هجدهم نادرست بود، زیرا او در جایگاه تاریخی نادرستی قرار داشت تا ببیند که سه قدرت ویرانگر وجود دارد، نه دو قدرت. نور عظیم او بر فصل‌های دوم تا نهم مکاشفه بود.

«مبلغان اور لوگوں نے مکاشفہ کی کتاب کو پراسرار اور مقدس نوشتوں کے دیگر حصوں کی نسبت کم اہم سمجھا ہے۔ لیکن میں نے دیکھا کہ یہ کتاب درحقیقت ایک مکاشفہ ہے جو خاص طور پر ان لوگوں کے فائدے کے لیے دیا گیا ہے جنہیں آخری ایام میں زندہ رہنا تھا، تاکہ وہ اپنی حقیقی حالت اور اپنے فرض کو معلوم کرنے میں راہنمائی پائیں۔ خدا نے ولیم ملر کے ذہن کو نبوتوں کی طرف متوجہ کیا اور اسے مکاشفہ کی کتاب پر بڑی روشنی عطا کی۔» Early Writings, 231.

میلر درک خود را از کلیساها، مہرها، شیپورها و پیالہ‌ها بدین‌سان بیان کرد.

«کلیساهای هفت‌گانه آسیا، تاریخ کلیسای مسیح است در هفت صورت آن، با همه پیچ‌وخم‌ها و فراز و نشیب‌هایش، در همه ایام کامرانی و سختی‌اش، از روزگار رسولان تا پایان جهان. هفت مہر، تاریخی است از معاملات و عملکرد قدرت‌ها و پادشاهان زمین نسبت به کلیسا، و از حمایت خدا از قوم خویش در همان دوران. هفت شیپور، تاریخی است از هفت داوری ویژه و سخت که بر زمین، یا بر قلمرو روم، فرستاده شده است. و هفت پیالہ، هفت بلای آخر است که بر روم پاپی فرستاده شده است. در میان اینها، رویدادهای بسیار دیگری نیز درآمیخته‌اند، همچون جویبارهای فرعی که در آن بافته شده باشند و رود عظیم نبوت را پر سازند، تا آنکه سرانجام همه آن به اقیانوس ابدیت فرو می‌ریزد.»

«این، از نظر من، طرح نبوت یوحنا در کتاب مکاشفه است. و آن کس که می‌خواهد این کتاب را بفهمد، باید معرفتی عمیق از دیگر بخش‌های کلام خدا داشته باشد. تمثیل‌ها و استعاره‌هایی که در این نبوت به کار رفته‌اند، همگی در همان‌جا تبیین نشده‌اند، بلکه باید در دیگر انبیا یافت شوند و در دیگر آیات کتاب مقدس تفسیر گردند. بنابراین آشکار است که خدا مطالعه تمامی آن را مقصود داشته است، حتی برای به‌دست‌آوردن معرفتی روشن نسبت به هر بخشی.» ویلیام میلر، Miller's Lectures، جلد 2، درس 12، 178.

همان‌گونه که پیام‌آور سوم، که راه را برای رسول عهد مهیا می‌سازد، تاریخ درونی داوری کلیسا را نمایندگی می‌کند، در مقابل اپلیای سوم که تاریخ بیرونی را در داوری بابل جدید نمایندگی می‌نماید، فهم پیشگامانه از کلیساها و مہرها نیز همان شهادت درونی-بیرونی را شناسایی کرده بود.

«مہرها در باب‌های چهارم، پنجم و ششم مکاشفه به توجه ما آورده می‌شوند. صحنه‌هایی که تحت این مہرها عرضه شده‌اند، در مکاشفه ۶ و آیه نخست مکاشفه ۸ به نمایش گذاشته می‌شوند. آشکارا اینها رویدادهایی را در بر می‌گیرند که کلیسا از آغاز این دوره تدبیر تا آمدن مسیح با آنها مرتبط است.»

«در حالی که هفت کلیسا تاریخ درونی کلیسا را ارائه می‌کنند، هفت مہر رویدادهای بزرگ تاریخ بیرونی آن را به نمایش می‌گذارند.» اوریا اسمیت، The Biblical Institute, 253.

اوریا اسمیت در حال شناسایی برداشت میلریتی از رابطه درونی و بیرونی کلیساها بود، و جیمز وایت نیز مروری مشابه را در قالب تاریخ‌های موازی ارائه می‌کند.

«اکنون کلیساها، مہرہا، و حیوانات، یا موجودات زندہ، را تا آنجا دنبال کردہ ایم کہ بتوان آنہا را از حیث پوششِ همان دورہ ہای زمانی با یکدیگر مقایسہ کرد۔ مہرہا ہفت اند، اما حیوانات فقط چہار تا۔ و شاید در اینجا شایستہ باشد توجہ کنیم کہ با گشودہ شدن مہر اول، دوم، سوم و چہارم، از حیوان اول، دوم، سوم و چہارم شنیدہ می شود کہ می گویند: "بیا و ببین!" اما ہنگامی کہ مہر پنجم، ششم و ہفتم گشودہ می شوند، چنین صدایی شنیدہ نمی شود۔ ہمچنین سہ کلیسای آخر و سہ مہر آخر، از حیث پوششِ همان دورہ ہای زمانی، با یکدیگر مطابق نیستند، چنان کہ چہار کلیسای نخست و چہار مہر نخست مطابق اند۔ اما، چنان کہ نشان دادہ ایم، کلیساها، مہرہا و حیوانات، در پوششِ همان دورہ ہای زمانی، در مدت نزدیک بہ 1800 سال با یکدیگر توافق دارند، تا آنکہ بہ اندکی بیش از نیم قرن زمان حاضر می رسیم۔» James White, Review and Herald, February 12, 1857

ہم نے ابھی میلرائیٹ تاریخ کے تین اہم ترین پیش روؤں کا حوالہ دیا ہے۔ یہ تینوں "یومیہ" کے صحیح مفہوم کے قائل تھے، اور یہ سب کلیسیاؤں، مہروں، اور نرسنگوں کے اجمالی خاکے کو بھی اسی فریم حق کے اندر مانتے تھے جیسے سمجھنے اور پیش کرنے کے لیے میلر کی راہنمائی کی گئی تھی۔

«ہرگاہ کسانی درآیند کہ بخواهند حتی یک میخ یا ستون را از بنیادی کہ خدا بہ وسیلہ روح القدس خویش بنا نہادہ است جاہ جا کنند، بگذارید مردان سالخورده ای کہ از پیشگامان کار ما بودہ اند، آشکارا سخن بگویند؛ و بگذارید آنان نیز کہ درگذشتہ اند، از راہ تجدید چاپ مقالاتشان در نشریات ما ہمچنان سخن بگویند۔ پرتوہای نور الہی را کہ خدا، در حالی کہ قوم خود را گام بہ گام در طریق حقیقت ہدایت کردہ است، عطا فرمودہ، گرد آورید۔ این حقیقت آزمون زمان و محنت را تاب خواہد آورد۔» Manuscript Release, 760, 10

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آن فرشتہ مقتدر مکاشفہ، فصل ہجده، فرود آمد و کار ہدایت کسانی را کہ می خواستند «نان»ی را کہ تازہ از آسمان نازل شدہ بود بپذیرند و بخورند، بہ سوی «راہ ہای قدیم» ارمیا، فصل شش، آغاز کرد۔ آلفا و امگا نیاز داشت کسانی کہ مایل بودند جہاد کنند تا در شمار یکصد و چہل و چہار ہزار باشند، دریابند کہ آنچہ در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ او را از آسمان بہ زیر آورد، صرفاً تحقق یک نبوت زمانی نبود، بلکہ تحقق نبوت زمانی وای دوم بود۔ او نیاز داشت کہ قومش دوبارہ راہ ہای قدیم آن تاریخی را کشف کنند کہ در آن، او در طی چہل و شش سال، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، ہیکل میلری ہا را برپا کردہ بود۔

اس تاریخ پر کوڑا کرکٹ، جعلی سکے اور جواہرات ڈال دیے گئے تھے۔ اس تاریخ کو ایک جھوٹے بنیادی پیغام نے دھندلا دیا تھا، جو ریت پر قائم کیا گیا تھا نہ کہ ازلی چٹان پر۔ یہ میلیریوں کی تاریخ میں تھا، اُس تاریخ میں جہاں، جیسا کہ پطرس اسے بیان کرتا ہے، میلیری "جو پہلے لوگ نہ تھے، مگر" پھر "خدا کے لوگ" بن گئے، جنہیں اُٹھایا گیا تھا اور "ایک روحانی گھر، ایک مقدس کہانت" کے طور پر تعمیر کیا گیا تھا۔ یہوداہ کے قبیلے کا شیر 11 ستمبر 2001 کو نازل ہوا، اور اُس نے اپنے آخری ایام کے لوگوں کی راہنمائی کی تاکہ وہ میلیری ہیکل کے برپا کیے جانے کی تاریخ کے "ہیکل" کو صاف کرنے کے کام میں داخل ہوں۔ اس کام کی تمثیل ایک نبوت میں پہلے سے موجود تھی، جس نے پیشین گوئی کی تھی کہ خداوند یوسیاہ نامی ایک شخص کو برپا کرے گا، (جس کے معنی خدا کی بنیاد ہیں)۔

ہنگامی کہ یوشیا در تحقق نبوتِ آن نبی نافرمان برخیزانیدہ شد، کارِ مرمتِ ہیکل را کہ بہ آشفتگی افتادہ بود آغاز کرد۔ در جریان کارِ مرمت و پاک سازی، «لغتِ موسی» کشف شد، و چون در حضور یوشیا خواندہ شد، اصلاح یوشیا را بہ بار آورد۔ ما بہ آن نبوت، در پیوند با بازکشفِ «ہفت زمان»، پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، خواہیم پرداخت۔

مور بہ ہغہ خُخِرنہ پہ راتلونکے مقالہ کے پیل کرو۔

«تا زمانی که کسانی که مدعی حقیقت‌اند در خدمت شیطان باشند، سایه دوزخی او دید آنان را نسبت به خدا و آسمان خواهد برید. آنان همچون کسانی خواهند بود که محبت نخستین خود را از دست داده‌اند. ایشان نمی‌توانند واقعیات ابدی را مشاهده کنند. آنچه خدا برای ما مهیا کرده است، در زکریا، باب‌های ۳ و ۴، و نیز ۱۲:۴-۱۴، چنین به تصویر کشیده شده است: "پس بار دیگر جواب دادم و به او گفتم: این دو شاخه زیتون که از طریق دو لوله زرین، روغن طلایی را از خود بیرون می‌ریزند، چیستند؟ و او در پاسخ به من گفت: آیا نمی‌دانی اینها چه هستند؟ و من گفتم: نه، ای سرو من. آنگاه گفت: اینان آن دو مسح‌شده‌اند که نزد خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند."»

«خداوند سرشار از امکانات است. او هیچ کمبودی در وسایل ندارد. این به سبب کمی ایمان ما، نیازدگی ما، سخنان سست و ارزان ما، و ناباوری ماست که در گفتارمان آشکار می‌شود، که سایه‌های تیره بر گرد ما گرد می‌آیند. مسیح در کلام یا در سیرت، به‌عنوان آن یگانه سراپا دل‌انگیز و برترین در میان ده‌هزار، آشکار نمی‌گردد. هنگامی که جان خرسند است که خود را به بطالت برکشد، روح خداوند برای آن اندک می‌تواند بکند. دید کوتاه‌بین ما سایه را می‌بیند، اما نمی‌تواند جلال آن سوی آن را مشاهده کند. فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند، که به‌صورت اسبی خشمگین تصویر شده است که می‌کوشد بند بگسلد و بر سراسر روی زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را حمل کند.»

«آیا درست در آستانه جهان ابدی به خواب رویم؟ آیا باید کُند و سرد و مرده باشیم؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفَس خدا در قوم او دمیده شود، تا بر پای‌های خویش بایستند و زنده گردند. ما نیاز داریم ببینیم که راه تنگ است و دروازه فشرده. اما چون از دروازه تنگ عبور کنیم، فراخی آن بی‌کران است.» Manuscript Releases، جلد 20، 216، 217.